



محمد ابراهیمی



داوود

مواجهه هوشمندانه حزب الله با چالشهای واقعی یا ساختگی سیاسی در لبنان، فصلی در خور مطالعه و پژوهش در کارنامه سیاسی این جریان است. مدیریت این حزب با زمان آگاهی و ژرفنگری خویش تاکنون سلامت و جاهت این تشکل را در میان سنگلاخهای توطئه حفظ نموده و ارتقاء بخشیده است.

محمد علی سبحانی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در لبنان در گفت و شنود با شاهد یاران در این باره به تفصیل سخن گفته است.

حزب الله و چالشهای سیاسی لبنان در گفت و شنود شاهد یاران با محمد علی سبحانی، سفیر پیشین جمهوری اسلامی در لبنان

هوشیاری شیعیان مانع از خلع سلاح حزب الله است...

فرقه مارونی بود و بخش مهمی از این سلاحها ناخواسته در داخل لبنان مصرف می شدند. شیعیان هم از سلاحی که در اختیار داشتند، برای مبارزه با اسرائیل استفاده می کردند. این در حالی است که حزب الله به عنوان یک نهضت مقاومت که برای آزادی سرزمین خود مبارزه می کند و بر اساس مشروعیت مقاومت، برای آزادی سرزمین لبنان با اشغالگران مبارزه می کند و در واقع یک نهضت لبنانی به شمار می آید. حزب الله یک نهضت اسلامی است، اما کارکرد آن شیعی صرف نیست، همچنانکه یک گروه جنوبی یا منطقیهای و فرقه ای نیست. حزب الله کارکرد کاملاً لبنانی دارد. این هم یکی از دلایل موفقیت حزب الله است.

در یک جمله، حزب الله با نگاهی دقیق به گذشته نهضت‌هایی که در منطقه وجود داشتند و با اسرائیل مبارزه می کردند و با نگاهی دقیق تر به واقعیت لبنانی بودن، توانست که همه مردم لبنان را با مبارزات خود همراه و همسو و از تجربیات گذشته دیگران استفاده کند. حزب الله نقاط ضعف نهضت‌ها و جنبشهای قبلی، چه حرکت‌های اسلامی و چه قومی و ملی، را دریافت کرد و با کسب تجربه از همه اینها، توانست یک سازمان گسترده اجتماعی، مردمی، سیاسی و مقاومتی ایجاد کند که نقطه ضعفهای دیگران را نداشته باشد. به طور مثال، زمانی که فلسطینیها در لبنان با اسرائیل مبارزه می کردند، از پایگاه اجتماعی و مردمی برخوردار نبودند و

همیشه توقف داشته و تا حدودی دچار مشکل شده است. در این میان، موقعیت و شیوه مبارزات حزب الله در صحنه سیاسی لبنان هم باید بررسی شود. حزب الله دقیقاً با یک برداشت علمی و بسیار منطقی از واقعیت‌های لبنان، خود را سازماندهی و بازسازی کرده است. حزب الله سلاح خود را بعد از جنگ‌های داخلی طولانی لبنان که سلاحها در مقابل هم قرار گرفته بودند، تهیه کرده است. در دوران جنگ‌های داخلی لبنان، سلاح فلسطینیها و اهل تسنن در مقابل سلاح

نصرالله

حزب الله نقاط ضعف نهضت‌ها و جنبشهای قبلی، چه حرکت‌های اسلامی و چه قومی و ملی، را دریافت کرد و با کسب تجربه از همه اینها، توانست یک سازمان گسترده اجتماعی، مردمی، سیاسی و مقاومتی ایجاد کند که نقطه ضعفهای دیگران را نداشته باشد.

حزب الله چگونه موفق شد چنین جایگاهی بیابد و بتواند در برابر بزرگ ترین قدرت نظامی منطقه بایستد؟ علل ناکامی برخی از نهضت‌های منطقه را در چه می دانید؟

برای بررسی این حرکت یا نهضت اسلامی نمی توانیم از دو مسئله چشمپوشی کنیم: نخست آنکه حزب الله لبنان در بستر مبارزات ضد اسرائیلی در منطقه، اعم از مبارزات عربی و اسلامی یا مبارزات ملی، از موقعیتی استثنایی برخوردار است و مسئله دوم، موضوع لبنانی بودن حزب الله است. این دو عنصر، برای بررسی واقعیت حرکت حزب الله غیر قابل چشمپوشی هستند. اگر نگاهی به چالش عربی اسرائیلی داشته باشیم و جنبشها و حرکت‌هایی را که در مقابل تجاوزگری اسرائیل ایستادند، ملاحظه کنیم، می بینیم قبل از ظهور حزب الله، در درون این حرکتها، جنگ‌های گسترده ای صورت گرفته و مبارزاتی طولانی از همان روز اول تشکیل رژیم اسرائیل وجود داشته اند که به درگیریهایی چریکی و مبارزات جهادی و انقلابی منجر شدند و به دنبال آن جنگ‌های کلاسیک بین دولتهای عربی با اسرائیل روی دادند. بی تردید همه این درگیریهایی با موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی برای هر دو طرف همراه بوده اند. با این همه اگر نگاهی گذرا به نتیجه این مبارزات بیفکنیم، ملاحظه خواهیم کرد که رژیم صهیونیستی در درگیریهایی کلاسیک، برنده مطلق بوده، اما در مبارزات انقلابی و عملیات چریکی یا جنگ‌های نامنظم،

مردم جنوب با آنها مشکل جدی داشتند. وقتی نیروهای ناسیونالیستی مبارزه می‌کردند، به دلیل اینکه نگاهشان محدود و تفکرشان قومی بود، نتوانستند سایر فرقه‌های لبنان را جذب کنند. آنها در واقع خودشان را در یک چهارچوب، محدود کرده بودند.

به نظر من، دلیل اصلی موفقیت حزب الله این است که حرکت آن یک حرکت اسلامی، ملی، قومی و درعین حال لبنانی بود و توانست با همه این واقعیتها همراه شود. حزب الله از مبارزات قومی اعراب با اسرائیل کناره‌گیری نکرد و در متن مبارزات اسلامی قرار گرفت. حزب الله تعریف حرکت خود را بر پایه لبنانی بودن گذاشت و ویژگی لبنانی بودن را کاملاً حفظ کرد و با ارزشهای ویژه‌ای چون شهادت طلبی که برگرفته از اندیشه اسلامی است، به پیش تاخت و دستاوردهای چشمگیری را برای مردم لبنان به ارمغان آورد.

علل توفیق حزب الله در چالش اخیر را چه می‌داند؟

موفقیت و توفیق یک نهضت در نتیجه چند عامل به وجود می‌آید. یک نهضت باید از واقعیتهای منطقه‌ای و محیط اجتماعی خود، خوب بهره‌برداری کند و به نظر من، حزب الله همه عوامل را خوب شناخت.

واقعیت دوم، «چهارچوب فرهنگی» است که یک نهضت براساس آن مبارزه می‌کند. «فرهنگ مبارزاتی» یعنی هدف، در دستیابی به پیروزی و آرمان ملی و اجتماعی مؤثر است. حزب الله در لبنان از آرمانی پیروی کرد که ضمن داشتن همه ارزشها، براساس نوعی فرهنگ برگرفته از تفکرات امام خمینی (ره) شکل گرفته بود. امام خمینی (ره) اصولاً به مبارزه مسلحانه معتقد نبودند و بیشتر تکیه‌شان به توده‌های مردم و تفکرات اسلامی و استفاده از توانمندیهای سیاسی ملت‌ها بود. مبارزه امام چنین فرهنگی را در لبنان مطرح کرد: فرهنگ شهادت طلبی و احدی‌الחסنین. اگر کسی در این راه به وظیفه عمل کرد، چنانچه شهید شود پیروز است و اگر هم نتوانست بر دشمن فائق آید، پیروز است.

حزب الله علاوه بر واقعیت‌های اجتماعی پیرامون خود، با



طبیعی است که وجود تشیع در منطقه جنوب لبنان (جبل عامل)، زمینه‌ساز حرکت حزب الله بوده است. اصولاً فرهنگ تشیع، فرهنگ انتظار، برای رسیدن به زندگی و جهانی بهتر و محیط اجتماعی خالی از ظلم و ستم است. این ویژگی‌های فرهنگ انتظار است که تشیع آن را به همه پیروان خود آموخته است. اینها واقعیت‌های مکتب تشیع هستند که اکنون جای بحث درباره آنها نیست. وجود شیعیان علی بن ابی طالب (ع) در جنوب لبنان و فرهنگ عاشورا پی آنها که شهادت طلبی را در آن منطقه متجلی ساخت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فرصتی استثنایی را برای شیعیان لبنان به وجود آورد. قبل از آن، شرایطی در لبنان به وجود آمده بود که سلاح گروه‌های لبنانی علیه یکدیگر به کار گرفته می‌شدند. به نظر من نقشی که رهبری حزب الله ایفا کرد، این بود که توانست از انحراف حزب الله جلوگیری کند. ممکن است گروهی همه امکانات را داشته باشد، اما رهبری فرزانه و توانمند، شجاع و مدیر نداشته باشد و در نتیجه همه امکانات از بین می‌روند.

رهبری حزب الله، از ابتدای ایجاد این تشکیلات این چنین بود. خدا موحوم سیدعباس موسوی را رحمت کند که آینه زلال صداقت بود و توانست نیروهای صادق، پاک و سالم لبنانی را بسیج کند. او قدرت ایمان نیروهای مقاومت را در کنار هم سازماندهی کرد و توان و تجربه کم نظیری را به دست آورد و توانست در مقاطع مشکل و بسیار دشوار به مسئولیت‌های خود عمل کند. در پی شهادت سیدعباس موسوی، وجود یک شخصیت بزرگ که ویژگی‌های متفاوت و مختلفی داشته باشد، اجتناب‌ناپذیر بود. هر چند که رهبری حزب الله شورایی است و براساس آرای شورای مرکزی حزب الله اداره می‌شود، اما وجود شخصی مثل سید حسن نصرالله که از ویژگی‌های مهمی برخوردار است، امتیاز خاصی به حزب الله بخشیده است.

نخستین ویژگی سید حسن نصرالله این است که او انسانی درون‌نگر و خوشفکر و باسلیقه و روزآمد است. درست است که سید حسن آدم بسیار با ایمان، معتقد و متعهد به موازین شرعی و اسلامی است، اما در عین حال امکان ندارد که شما

خبری را از او بپرسید که یک ساعت پیش در جایی از دنیا اتفاق افتاده است و او از آن اطلاع نداشته باشد. روزآمدی رهبری در حزب الله، به حزب الله فوق العاده کمک می‌کند. حزب الله به تمام واقعیت‌های اطراف خود توجه می‌کند و برای همه سؤالاتی که پیرامون آن می‌گذرد، پاسخ دارد. این روزآمدی، در بسیاری از رهبران امروز دنیا وجود ندارد و نوعی رخوت و سستی در سطوح بالای سیاست به وجود می‌آورد. به طور مثال، هنگامی که شخصی مبارزات انتخاباتی را از طریق حزب و تشکیلات خود آغاز کرد و به نمایندگی مجلس رسید و بعد هم به ریاست جمهوری یا سطح رهبری یک کشور رسید، در آن موقعیت، همه چیز را فراموش و گمان می‌کند به آن چه باید برسد، رسیده است و در نتیجه مطالعاتش در مورد واقعیت‌های روز، سطحی و ارتجاعی می‌شود و متأسفانه روزآمدی چنین رهبرانی از بین می‌رود. سید حسن نصرالله، یکی از معدود رهبران دنیاست که روزآمدی را تجربه و همه تحولات پیرامون خود را در سطح لبنان، منطقه و جهان شخصاً پیگیری می‌کند تا از آن برای تصمیماتی که اتخاذ می‌کند، بهره‌گیرد.

دومین ویژگی سید حسن نصرالله که بسیار با اهمیت است، صداقت این مرد است. صداقت یکی از ویژگی‌هایی است که می‌تواند در سخت‌ترین شرایط، انسجام همه نیروهای یک مجموعه را حفظ کند. وقتی مبارزات اوج می‌گیرند، طمأنینه رهبری حزب الله افزایش پیدا می‌کند. این نشان از برنامه‌ریزی و آسودگی و اطمینان به کسانی دارد که در اطراف رهبری قرار دارند. هنگامی که رهبری مطمئن باشد که اطرافیان از صفوف مقدم سیاسی، نظامی و اجتماعی، همه در کنار او هستند، در رفتار، مدیریت و کردار او طمأنینه به وجود می‌آید. این همان چیزی است که در جریان جنگ اخیر در رفتار آقای نصرالله شاهد بودیم. شما ملاحظه کردید، وقتی که طرف مقابل با انواع اسلحه و توان نظامی که در اختیار داشت، کاری از پیش نبرد و با عصبانیت اقدام کرد و بانگرانی از شرایط و آینده سخن گفت، در مقابل سید حسن نصرالله با آرامش و طمأنینه با مردم سخن گفت و با دشمن مبارزه و بحرانی چنین بزرگ و جنگی چنین دشوار را مدیریت کرد. این به صداقت یک رهبر بازمی‌گردد. صداقت رهبری حزب الله باعث تقویت مواضع او در میان مردم شده است. مردم متوجه مبارزه می‌شده‌اند که این انسان راستگوست، به خاطر آنها مبارزه می‌کند و او کسی است که با همه توان، در شیرینیها و تلخکامیهای مردم شریک می‌شود و در شرایط سخت و دشوار کنار مردم می‌ایستد و تا پایان کنار آنها خواهد بود.

ویژگی سوم، حسن تدبیر حزب الله و رهبری آن است. جنگ سنگین و سختی که اسرائیل بر حزب الله تحمیل کرد، جنگی نابرابر بود، زیرا واکنش این رژیم نسبت به عملیات محدود حزب الله (مانند اقدامات گذشته در به اسارت گرفتن سربازان اسرائیلی)، حمله‌های سنگین و گسترده بود. این حمله نشان داد که دشمن برای این جنگ از قبل برنامه ریزی کرده بود. حزب الله هم تدابیر لازم را اتخاذ و همه احتمالات را پیش بینی کرده و احتمال وقوع آن را داده بود، وگرنه چگونه می‌توانست در برابر چنین تهاجم و حمله ای بایستد و مقاومت کند. حزب الله در روزهای اول، این هجوم را سد و سپس به مدت ۳۳ روز جنگ را مدیریت کرد و سرانجام به پیروزی دست یافت.

حزب الله بدون شک، طرف پیروز این جنگ است. هیچ کس در مورد این که حزب الله در این جنگ پیروز شده است،

نخستین ویژگی سید حسن نصرالله این است که او انسانی درون‌نگر و خوشفکر و باسلیقه و روزآمد است. درست است که سید حسن آدم بسیار با ایمان، معتقد و متعهد به موازین شرعی و اسلامی است، اما در عین حال امکان ندارد که شما خبری را از او بپرسید که یک ساعت پیش در جایی از دنیا اتفاق افتاده است و او از آن اطلاع نداشته باشد. روزآمدی رهبری در حزب الله، به حزب الله فوق العاده کمک می‌کند.

استناد به فرهنگ شهادت و طرز تفکر امام خمینی (ره) و عمل به وظیفه به پیروزی رسید. حزب الله واقعاً معتقد است که باید به وظیفه‌اش عمل کند. البته کاملاً عقلانی و منطقی عمل و شرایط و ویژگی‌های محیطی خود را کاملاً رعایت می‌کند. تکیه بر فرهنگ اصیل مبارزاتی و اسلامی نقش به سزایی در موفقیت حزب الله داشت.

فرهنگ تشیع چه نقشی در مبارزات حزب الله دارد؟

می کنند. امروز بحث کاریزما در دنیا دگرگون شده است. دیگر دوره‌ای که رهبری بیاید و سخنرانی کند و شعارهای چپ و تند بدهد و از خود چهره کاریزمایی بسازد و تبلیغات دوره‌های راه بیندازد، گذشته است. ما در قرن بیست و یکم زندگی می کنیم و اگر فردی در کشوری مثل لبنان که کشور تنوع‌گرایی و آزادیها، مطبوعات آزاد و شبکه‌های ماهواره‌ای است، بتواند با مردم زندگی کند، شخصیت کاریزماتیک داشته باشد، مورد حمایت واقعی مردم قرار گیرد و محبوبیت بسیار بالایی پیدا کند، چنین چیزی ناشی از تبلیغات و شعار نیست، بلکه برخاسته از واقعیتهای عینی است که سید حسن نصرالله آن را دارد.

در زمینه عملکرد دبیر کل حزب الله اگر خاطرهای از زمان مأموریتان در لبنان دارید، بیان کنید؟

شاید مناسب باشد که بحث میدانه اسرا را که در سال ۲۰۰۴ اتفاق افتاد یا پیروزی سال ۲۰۰۰ و آزادسازی سرزمینهای جنوب را یادآوری کنم. در سال ۲۰۰۰ سفیر ایران در بیروت بودم در آن سال اسرا را پس از ۲۲ سال اشغال جنوب لبنان، بر اثر عملیات مقاومت اسلامی از مناطق اشغالی عقب نشینی کردند. جنگی که حزب الله به اشغالگران تحمیل کرد، جنگی فرسایشی بود و اسرانیل را به راستی به زانو در آورد. زیبایی و منانیت در مدیریت را در آن پیروزی هم از سید حسن نصرالله دیدیم. شیعی که اسرانیلها یا به فرار گذاشتند و لبنان را ترک کردند، سید حسن نصرالله همه تلاش خود را به کار برد. همه پیش بینیهایی بود که حزب الله در پی پیروزی و تمرکز در مناطق آزاد شده و گرفتن سنگرهای مختلف، انتقام‌گیری از مزدوران رژیم صهیونیستی آغاز کند. همه تصور می کردند که حزب الله که توانسته است اسرانیل را شکست دهد و پیروز میدان است، هر کاری بخواهد، خواهد کرد و اشتباهات بسیاری از گروههای مبارز را پس از پیروزی تکرار می کند.

اولین کار سید حسن نصرالله این بود که تمام رهبران حزب

محل زندگی سید حسن نصرالله منزلی بسیار کوچک و ساده و در پایین ترین سطوح جامعه لبنان و در منطقه فقیرنشین ضاحیه بیروت قرار دارد که در جنگ به طور کامل ویران شده است. او در عمق فقر آوارگان جنگهای پیشین لبنان زندگی و تمام مشکلات و مسائل آنان را لمس می کند.

آنان را با دقت پیگیری می کرد. او برای استیفای حقوق مردم مبارزه می کند. دشمن هم از همین نقطه سوء استفاده می کند. دشمن می داند که حزب الله یک نیروی مردمی است و برای این که روحیه حزب الله را تضعیف کند و فشار روانی بر حزب الله وارد کند، مردم را آماج حمله های نظامی خود قرار می دهد.

نکته دیگر زندگی ساده اوست. دبیر کل حزب الله مانند ساده ترین اقشار جامعه، در زندگی شخصیش فوق العاده ساده زندگی می کند. فرزندانش در مبارزه حضور دارند؛ سید هادی که در میدان مبارزه به شهادت رسید و دو فرزند پسر دارد که یکی خیلی کوچک است و محمد جواد از رزمندگان حزب الله است. محل زندگی سید حسن نصرالله منزلی بسیار کوچک و ساده و در پایین ترین سطوح جامعه لبنان و در منطقه فقیرنشین ضاحیه بیروت قرار دارد که در جنگ به طور کامل ویران شده است. او در عمق فقر آوارگان جنگهای پیشین لبنان زندگی و تمام مشکلات و مسائل آنان را لمس می کند.

اینها ویژگیهایی هستند که برای یک رهبر نفوذ کلام ایجاد

شکی ندارد. خود اسرانیلها اعتراف کردند که نتوانستند به اهداف خود برسند.

وقتی یک ارتش بزرگ تا بن دندان مسلح که گفته می شود پنجمین ارتش دنیاست، حمله‌ای انجام می دهد و نمی تواند به اهدافش برسد، این یک شکست است. حال اگر افرادی پیدا شوند که به دلخواه خود نتایج جنگ را تجزیه و تحلیل کنند، مهم نیست. مهم این است که اسرانیل شکست مهم و بزرگی را متحمل شده است. می توان گفت که این پیروزی نتیجه حسن تدبیر حزب الله و رهبری آن است. اگر بخواهیم درباره ویژگیهای رهبری حزب الله بیشتر توضیح دهیم، می توانیم به عقلانیت و منطق‌گرایی دبیر کل حزب الله اشاره کنیم. افزون بر صداقت و عقلانیت، شجاعت سید حسن نصرالله نیز مهم است. گاهی شجاعت و عقلانیت رمز موفقیت حزب الله بوده است. یک رهبر باید شجاع باشد و نترسد. این شجاعت و عقلانیت حزب الله بود که توانست با خویشتنداری و بهره‌گیری از رهبری عقلانی خود، جنگ را به نحو احسن تا پیروزی مدیریت کند. رهبری حزب الله توانست این پیروزی را به دست آورد و البته هنوز در مرحله تثبیت آن است.

اسرانیلها همچنان به اقدامات تحریک‌آمیز خود ادامه می دهند. حزب الله برای حفظ و تداوم این پیروزی نیازی ندارد تحریک شود و دقت می کند که به دشمن فرصت سوء استفاده ندهد. حزب الله در واقع قصد دارد ماهیت خود و دشمن را به افکار عمومی دنیا نشان دهد و بگوید که اسرانیل به قوانین و تعهدات بین‌المللی خود پایبند نیست. غیر ملتزم بودن دشمن، به حزب الله امکان می دهد تا چهره دشمن را برای مردم لبنان روشن کند و به آنان بگوید که این دشمن ماست و ضروریست که همواره در آماده باش به سر ببریم. آمادگی حزب الله باید تداوم یابد و بلکه حفظ شود و افزایش پیدا کند تا به کسانی که خواهان خلع سلاح حزب الله هستند بفهماند که نمی توان به دشمن اعتماد کرد. خویشتنداری حزب الله، به او این امکان را می دهد که پایگاه خود را درون جامعه لبنان تقویت و این پیروزی را تثبیت کند.

شما چند سالی در لبنان حضور داشتید و از نزدیک با آقای نصرالله آشنا بودید. ارتباط ایشان به عنوان رهبری موفق با مردم چگونه است؟

شرایط لبنان و شرایط ویژه مقاومت به سید حسن نصرالله اجازه نمی دهد که در خیابانها قدم بزند. ضربه شکننده‌ای که اسرانیل رهبری با درایت حزب الله خورده است، بسیار سنگین و بزرگ است و طبیعی است که صهیونیستها همواره به دنبال ترور سید حسن باشند. این موضوع بارها در عالی ترین سطوح لبنان مطرح شده است، اما سید حسن نصرالله یک ویژگی فوق العاده دارد. او همواره در متن زندگی مردم و در کنار رزمندگان مقاومت حضور دارد. در این جنگ، دبیر کل حزب الله در نزدیک ترین نقطه به مقاومت حضور داشت و هر وقت ضرورت اقتضا می کرد، به صحنه می آمد و صحبت می کرد. او رهبری نبود که در شرایط دشوار جنگ و حجم گسترده عملیات جنگی که علیه او آغاز شده است، صحنه مبارزه را ترک کند. در واقع او یک مجاهد به تمام معنا و واقعی است.

سید حسن نصرالله هیچ فاصله‌ای با کسانی که در کنار او و تحت مدیریت و رهبری او مبارزه می کنند، ندارد. سید حسن در جنگ اخیر، توجه به حقوق مردم و رسیدگی به نیازهای



سهیلانی در کنار خانواده سید حسن نصرالله



را دعوت کرد و به همه آنها دستور داد بخشنامه‌ای صادر کنند که طبق آن، در مناطق آزاد شده جنوب که در اختیار حزب الله قرار گرفته بود، هیچ لبنانی‌ای، مورد تعرض قرار نگیرد. این در شرایطی بود که بسیاری از مزدوران اسرائیلی در آن منطقه، لطمات و ضربات سخت و سنگینی به نیروهای مقاومت وارد کرده بودند. سید حسن به هیچ وجه اجازه نداد نیروهای حزب الله متعرض فرقه‌های دیگر لبنانی ساکن مناطق آزاد شده بشوند. او در رفتاری متمدانه، فوق العاده عاقلانه و براساس یک حقیقت دینی و اسلامی و ارزشی، به هیچ کس اجازه نداد از دیگری انتقام بگیرد. حزب الله که فعال مایشاء بود، در جنوب لبنان اخلاقی ترین رفتار را در پیش گرفت.

و اما خاطره دیگری که الان به ذهنم آمد. روز دوم خروج اسرائیل از جنوب لبنان، وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران، آقای دکتر خرازی به لبنان سفر کرد، در نخستین روز پیروزی شخصاً به جنوب لبنان رفتیم و از مناطق آزاد شده بازدید کردم و به مردم جنوب جشن پیروزی را تبریک گفتم و سخنرانی کردم. در روز دوم آقای دکتر خرازی به لبنان آمد. وقتی می خواستیم به جنوب لبنان برویم، آقای سید حسن نصرالله برای ما پیام دادند و پیشنهاد کردند که از روستاهای مسیحی نشین مناطق آزاد شده جنوب لبنان هم بازدید کنیم، به یکی از دهکده‌های مسیحی نشین رفتیم و بنا به توصیه رهبری حزب الله، از کلیسای آن بازدید کردیم. سید حسن می خواست به همه مردم لبنان و دنیا و همه کسانی که ناظر صحنه بودند، نشان دهد که حزب الله براساس انتقامجویی عمل نمی‌کند و برای آرمانش که آزادی سرزمینهای لبنان از اشغال صهیونیست‌هاست، مبارزه می‌کند و اکنون که این خواسته تحقق یافته، هدف حزب الله این است که مردم لبنان از هر فرقه و گروهی که هستند، تحت فشار یک گروه یا فرقه دیگر قرار نگیرند. این حرکت نشان داد که مبارزه حزب الله عادلانه و مشروع است و اقدامات غیر منطقی، خودسرانه و نامشروع را تحمل نمی‌کند. حزب الله پس از آزادی جنوب اعلام کرد افرادی که مرتکب جنایت شده و به وطنشان خیانت کرده‌اند، باید به دادگاه معرفی شوند تا به وضعیت جنایتکاران و مزدوران اسرائیل رسیدگی شود. در پی توصیه آقای نصرالله هرگز شنیده نشد که یک دادگاه صحرایی تشکیل شود یا آدم بی گناهی توسط یکی از عناصر حزب الله مورد ضرب و شتم قرار گیرد. این درست همان روشی است که حضرت امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به کار گرفت و موج عظیم مردمی در ایران به راه افتاد. در آن روز همه گمان می‌کردند هنگامی که شهروندان لبنانی پس از ۲۲ سال اشغال جنوب به مناطق آزاد شده باز می‌گردند، میان آنان و اعضای گروه آنتوان لحد که مزدور اسرائیل بودند، درگیری روی می‌دهد و احتمال دارد افراد بسیاری کشته شوند و خونریزی به پا شود.

رهبری با درایت و با کفایت و عقلائی حزب الله توانست با منطقی شایسته و خوب از بروز چنین صحنه‌هایی جلوگیری کند. البته این حرکت به سود حزب الله تمام و سید حسن نصرالله به عنوان رهبر درجه اول لبنان شناخته شد. اکنون نفوذ کلام سید حسن در لبنان با هیچ یک از رهبران لبنانی قابل قیاس نیست. این توان و قدرت برای مدیریت بحران، بعد از قتل حریری به روشنی نمایان بود و اگر نبود، امکان داشت لبنان بار دیگر به جنگ داخلی دچار شود. با پیروزی بزرگ حزب الله، توطئه های اسرائیل در لبنان

نصرالله
میخندد

اگر فردی در کشوری مثل لبنان که کشور تنوع‌گرایی و آزادیها، مطبوعات آزاد و شبکه‌های ماهواره‌ای است، بتواند با مردم زندگی کند، شخصیت کاربزماتیک داشته باشد، مورد حمایت واقعی مردم قرار گیرد و محبوبیت بسیار بالایی پیدا کند، چنین چیزی ناشی از تبلیغات و شعار نیست، بلکه برخاسته از واقعیت‌های عینی است که سید حسن نصرالله آن را دارد.

متوقف نخواهند شد و به بهانه خلع سلاح حزب الله اقداماتی را انجام خواهد شد. آینده لبنان و موقعیت حزب الله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ صهیونیست‌ها و همه دشمنان لبنان می‌خواهند به مردم لبنان این پیام را بدهند که حزب الله مانع آرامش آنان است. چالشی که حزب الله در آینده با آن روبه روست، ساده انگار پهلایی است که برخی از لبنانیها به آن دچار خواهند شد و شاید باعث شود که برخی به اسرائیل اعتماد کنند. هدف اسرائیل از طرح این موضوع، حذف حزب الله از صحنه لبنان

است تا تنها عامل قدرت لبنان را که در مقابل اسرائیل تجربه موفق داشته، حذف و از لبنان به عنوان اهرم فشاری برضد سوریه و فلسطینیها و همه اعراب و مسلمانان استفاده کند. اولین کشوری که از این طرح آسیب می‌بیند خود لبنان است. شکی نیست که آدم‌های ساده لوحی در لبنان وجود دارند. اکنون اخبار زیادی از لبنان می‌رسد و گفته می‌شود که چه ضرورتی برای ابقای سلاح حزب الله وجود دارد؟ برخی به طور علنی خلع سلاح حزب الله را مطالبه می‌کنند. این یکی از مشکلاتی است که لبنان با آن روبه روست و حزب الله و همه لبنانیها باید درباره آن تفاهم کنند. من معتقدم لبنانیها با یک اکثریت قابل قبولی، به ویژه بعد از این جنایت‌هایی که اسرائیلیها در این جنگ مرتکب شدند، طرفدار حفظ مقاومت، سلاح، موقعیت و توان مقابله و در واقع بازدارندگی حزب الله خواهند بود. حزب الله به عنوان یک نیروی سیاسی اثرگذار در صحنه لبنان و نیروی مقاومت بازدارنده در برابر تجاوزگری ارتش جنایتکار اسرائیل، واقعیت اجتماعی انکارناپذیری باقی خواهد ماند. هیچ کس نمی‌تواند شیعه را از لبنان حذف کند. در این جنگ، جامعه شیعیان لبنان صد در صد و یکپارچه از سید حسن نصرالله حمایت کرد. آگاهی شیعیان لبنان بعد از دهها سال جنایت اسرائیل و تجربه بحران و محرومیت به آنها می‌گوید که بهترین گزینه برای آنها همان است که به دست خود برگزیدند. اگر حزب الله در صحنه لبنان نبود، معلوم نبود تمامیت ارضی و حاکمیت ملی لبنان باقی بماند. لبنان صحنه آرامی نیست و ظهور گروه‌های گوناگون را شاهد خواهد بود. بنابراین وجود حزب الله که در سطح کلان با همه فرقه‌های لبنان، دولت و ملت این کشور هماهنگی کامل دارد، به عنوان گروه بازدارنده‌ای که توانست ۳۳ روز ارتش اسرائیل را پشت درهای ورود به حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان نگه دارد و آن را به شکست بکشاند، چیزی است که لبنان به آن احتیاج دارد. من معتقدم یکی از آثار جنگ اخیر، تعریف و تثبیت حزب الله به عنوان یک ضرورت همیشگی برای لبنان است. ■